

روز زن^۱

روز زن چیست؟ آیا برگزاری این روز واقعاً ضرورت دارد؟ آیا "روز زن" به نوعی امتیاز دادن به زنان بورژوا، به فمینیست های طرفداران حق رأی (زنان) به حساب نمی آید؟ آیا این روز به وحدت جنبش کارگری آسیب وارد نمی کند؟

این سنوالات هنوز در روسیه شنیده می شود، اگر چه در خارج از کشور چنین سنوالاتی شنیده نمی شود. زندگی به خودی خود پاسخ روشن و کاملی به سنوالات می دهد. "روز زن" حلقه ای از زنجیره نیرومند جنبش کارگری زنان است. بیست سال قبل اتحادیه های کاری شامل گروه های کوچکی از زنان شاغل پراکنده در اینجا و آنجا بود که به طور پراکنده به صفوف حزب کارگری پیوسته بودند.

^۱ - مقاله ای "روز زن" نوشته الکساندرا کولنتای در روزنامه ای پراودا یک هفته قبل از تنها باری که در روسیه روز زن برگزار می شد منتشر گردید. این جشن در "روز همبستگی سراسری زنان طبقه ای کارگر" در ۲۳ فوریه (۸ مارس) ۱۹۱۳ برگزار گردید. در سنت پترزبورگ این روز؛ روز کمپین علیه بی حقوقی اقتصادی و سیاسی زنان کارگر، برای اتحاد طبقه ای کارگر، و برای هوشیاری طبقاتی و خودآگاهی مابین زنان کارگر نام گرفت.

اما، امروز اتحادیه های کارگری انگلیسی بیش از دویست هزار عضو دارند، در آلمان حدود دویست هزار زن، عضو در اتحادیه های کارگری و صدوپنجاه هزار زن، عضو احزاب کارگری هستند، و در اتریش چهل و هفت هزار زن عضو اتحادیه و حدود بیست هزار عضو حزب هستند. همه جا - در ایتالیا، یوگسلاوی، دانمارک، سوئد، نروژ و سوئیس- زنان طبقه ی کارگر در حال سازماندهی خود می باشند. ارتش زنان سوسیالیست تقریباً یک میلیون عضو دارد. یک نیروی قوی! نیرویی که قدرت های این جهان باید زمانی که موضوعاتی نظیر هزینه زندگی، بیمه ی زایمان، کار پرورش و تربیت کودک و قوانین حمایت از کار زنان را به بحث جهت تدوین و تصویب قانون می گذارند، آن را به رسمیت بشناسند.

روزگاری، مردها فکر می کردند که فقط آنان می بایست فشار مبارزه علیه سرمایه را بر روی شانه های خود تحمل کنند، که فقط آنان می بایست با "دنیای کهنه" بجنگند بدون کمک زنان هم طبقه اشان. اما، از زمانی که بلاجبار به دلیل نیاز - و به دلیل اینکه همسرانشان و یا پدرانیشان بیکار شده اند، به بازار کار رانده شدند- کارگران مرد این واقعیت را تشخیص دادند که تنها گذاشتن زنان و رها کردن آن ها در ناآگاهی طبقاتی در عمل به هدف های مبارزاتی خود آن ها لطمه زده و مانعی در متحقق شدن اهداف آن ها می باشد. به این دلیل که:

هر اندازه صفوف مبارزین آگاه وسیع تر باشد، به همان اندازه امکان پیروزی بیش تر خواهد بود". زنی که از طلوع تا غروب در آشپزخانه کار می کند، زنی که نه حقوقی در جامعه دارد، نه در دولت حقوقی دارد و نه دارای حقوقی در خانواده است، چه میزان آگاهی طبقاتی می تواند کسب کند؟ در

حقیقت، در چنین وضعیتی، زن نمی‌تواند قادر باشد که از خود "عقیده و نظر" داشته باشد چرا که کلیه‌ی امور او تحت فرمان و اراده‌ی پدر و یا همسر وی می‌باشد.

عقب ماندگی و بی حقوقی زنان، بی تفاوتی و بی علاقه‌ی آنان نسبت به مسایل، نه تنها سودی به حال طبقه‌ی کارگر ندارد، بلکه در واقع ضرری مستقیم به این طبقه است. اما، چگونه می‌شود زنان کارگر را بیدار و آگاه کرد؟ چگونه باید آنان را به شرکت در جنبش تشویق نمود؟

سوسیال دموکراسی خارج از کشور راه حل‌های درست را سریعاً پیدا نکرد. درهای سازمان‌های کارگری به روی زنان کارگر باز گذاشته بودند، با این وجود، تعداد کمی به آن وارد شدند. چرا؟

به دلیل آنکه طبقه‌ی کارگر در ابتدا تشخیص نداد که یک زن کارگر، از منظر قانون و اجتماع محروم‌ترین طبقه‌ی کارگر است، به دلیل آنکه به او نهیب زده شده است، مرعوب شده است، از زاویه حقوقی قرن‌ها مورد شکنجه قرار گرفته است، و برای اینکه بتوان در جان و دل او اثر گذار بود باید با کلامی قابل فهم و آشنا از محرومیت حقوقی او با او به عنوان یک زن، سخن گفت.

در ابتدا البته؛ کارگران بلادرنگ این واقعیت را درک نکردند که: در این دنیای پر از محرومیت و استثمار، زن نه تنها به عنوان یک فروشنده نیروی کارش، "بلکه" به عنوان یک مادر و به عنوان یک زن نیز مورد ستم و سرکوب قرار می‌گیرد.

زمانی که حزب سوسیالیستی کارگران به این واقعیت پی برد، شجاعانه به حمایت و دفاع از زنان در هر دو مورد -چه به عنوان یک کارگر مزدبگیر، چه به عنوان یک زن و یک مادر- بپاخواست. با همین هدف، سوسیالیست‌ها در

هر کشوری در دفاع از حقوق زنان کارگر شروع به طرح مطالبات ویژه ای -از جمله برقراری بیمه برای مادران و کودکان، حقوق سیاسی برای زنان- نمودند. و در همین راستا، هر اندازه که احزاب کارگری -و همچنین خود کارگران زن- با روشنی هر چه بیش تر اهمیت زاویه دوم را درک کردند، با میل و رغبت بیش تری به این احزاب پیوسته، و بیش تر به این امر پی بردند که احزاب مذکور مدافعان واقعی آن ها می باشند، و طبقه‌ی کارگر در راستای مطالبات عاجل و ویژه آن ها نیز مبارزه می کند. در این رابطه زنان کارگر خود نیز با سازماندهی منظم و آگاهانه اشان برای ثابت کردن این امر تلاش می کنند. اکنون بار این کار، یعنی جذب هر بیش تر زنان کارگر به جنبش سوسیالیستی پر دوش خود زنان است. احزاب سوسیالیستی در هر کشوری، کمیته ها، هیئت ها و بخش های ویژه‌ی زنان برقرار نموده اند. کمیته های زنان در بین بخش وسیعی از جمعیت زنانی که از نظر سیاسی هنوز از آگاهی های لازم برخوردار نیستند فعالیت کرده و آنان را آگاه و سازماندهی می کنند. به همین طریق این کمیته ها آن دسته از موضوعات و خواسته های مطرح شده که بیش ترین تأثیر در موقعیت زنان را دارند بررسی می کنند، موضوعات و خواسته هائی نظیر: حمایت و امتیازاتی برای باردار و شیرده، تنظیم و برقراری آیین نامه های قانونی برای کارگران زن؛ مبارزه علیه تن فروشی و مرگ و میر نوزادان، مطالبه حقوق سیاسی برای زنان، بهبود مسکن، مبارزه با افزایش هزینه های زندگی و غیره.

در نتیجه، زنان کارگر در عین حال که به عنوان اعضای این حزب برای پیشبرد اهداف عمومی طبقاتی خود مبارزه می کنند، همزمان نیز با مطرح

کردن نیازها و مطالبات ویژه خود - به عنوان یک زن، زنان، تظاهراتی که توسط خود آن‌ها بر علیه بی‌حقوقی خویش سازماندهی شده را برپا می‌کنند.

اما، بعضی‌ها خواهند گفت: چرا "روز زن" ویژه، چرا اعلامیه‌های ویژه‌ی زنان کارگر، چرا جلسات و کنفرانس‌های ویژه‌ی زنان طبقه‌ی کارگر؟ چرا بدین طریق زنان کارگر را از بقیه‌ی طبقه‌ی کارگر جدا می‌کنید؟ آیا این کار در نهایت قابل شدن یک امتیاز ویژه برای فمینیست‌ها و بورژواهای طرفدار حق رأی (برای زنان) نیست؟

تنها آن کسانی که تفاوت‌های ریشه‌ای ما بین جنبش زنان سوسیالیست و بورژواهای طرفدار حق رأی را درک نکرده باشند، چنین طرز تفکری دارند. هدف فمینیست‌ها چیست؟ هدف آن‌ها کسب موقعیت مشابه، قدرت مشابه و حقوق مشابه همان موقعیت‌هایی می‌باشد که در حال حاضر همسرانشان، پدرانیشان و برادرانشان در جامعه‌ی سرمایه‌داری از آن‌ها برخوردار هستند.

هدف زنان کارگر چیست؟ هدف آن‌ها از میان بردن و لغو تمام امتیازاتی است که از رابطه‌های ارثی و یا دارایی افراد نشأت گرفته است. برای زن کارگر قادر خواهد شد که به همراه تمام اعضاء طبقه‌ی خود شرایط کاری خود را بهبود بخشد.

فمینیست‌ها همیشه و در همه جا حقوق برابر می‌خواهند. زنان کارگر پاسخ می‌دهند: ما خواهان احقاق حقوق همه شهروندان هستیم، چه مرد و چه زن. اما در همان حال، این واقعیت را هم حاضر نیستیم فراموش کنیم که ما نه تنها کارگر و شهروند هستیم، بلکه ما در نیز هستیم! و به عنوان مادران، به عنوان زنانی که خالقان آینده‌اند، ما خواهان مطالبات ویژه‌ای نسبت به

شرایط خود و فرزندانمان هستیم و خواستار حمایت‌های ویژه از طرف دولت و جامعه می‌باشیم.

فمینیست‌ها برای بدست آوردن حقوق سیاسی بسادگی به این مفهوم است که خودشان را مجاز بدانند که در دنیایی که بر مبنای استثمار توده‌ی زحمتکش پایه‌ریزی شده، اموراتشان را راحت‌تر و مصون‌تر به پیش برند. در حالی که، برای زنان کارگر، حقوق سیاسی تنها یک گام در امتداد راهی سخت و دشوار می‌باشد که منجر به حاکمیت نیروی کار می‌گردد.

مسیر مبارزاتی زنان کارگر و بورژواهای طرفدار حق رأی، مدت‌ها قبل از هم جدا شده‌اند در حقیقت، جریان زندگی، ما بین اهداف و افق‌های مبارزاتی این دو، تفاوت بسیار بزرگی قرار داده است. اختلاف‌های بسیار عظیمی ما بین منافع یک زن کارگر و منافع یک خانم مالک وجود دارد، بین یک خدمتکار و کسی که ارباب او می‌باشد تضادهای بسیار بزرگی نهفته است... هیچگونه همسویی؛ هیچ نقطه تلاقی و هیچگونه امکان آشتی بین این دو، نه وجود دارد و نه می‌تواند وجود داشته باشد.

بنابر این، مردان کارگر نباید از برگزار شدن روز ویژه‌ای به نام روز زن، یا از کنفرانس‌های ویژه‌ی زنان کارگر، و یا از نشریات ویژه‌ی زنان کارگر وحشت داشته باشند. هرگونه شکل روشن و مشخص فعالیت در بین زنان طبقه‌ی کارگر، در واقع وسیله‌ای است در جهت آگاهی زنان کارگر و کشاندن آنان به سمت صفوف انسان‌هایی که برای آینده‌ای بهتر مبارزه می‌کنند. روز زن و هرگونه کوشش و تلاش خستگی‌ناپذیری که در جهت روشنگری در میان زنان کارگر و خودآگاهی آنان صورت گرفته، نه در جهت تفرقه، بلکه در خدمت به اتحاد طبقه‌ی کارگر قرار دارد.

باشد که احساس شغف خدمت به طبقه‌ی کارگر در راستای نیل به اهداف مشترک طبقاتی و همزمان خدمت در راه مبارزه برای رهائی زن الهام بخش زنان کارگر برای شرکت در جشن روز زن گردد.

کولنتای

فوریه ۱۹۱۳

ترجمه: صبا راهی

منبع: پراودا شماره چهل، ۱۷ فوریه ۱۹۱۳، سنت پیتزبورگ

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴